

بررسی دلایل ناکارآمدی بازار و اصناف در تحولات دوران پهلوی اول (۱۳۲۰)

لیلا سرویاسی

دانشجوی دکتری، گروه تاریخ، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد، تهران، ایران

دکتر سینا فروزش (نویسنده مسئول)

استادیار، گروه تاریخ، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

sinaforoozsh@gmail.com

دکتر رضا شعبانی صمغ آبادی

استاد، گروه تاریخ، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

دکتر غلامحسین زرگری نژاد

استاد، گروه تاریخ، دانشگاه تهران، تهران، ایران

تاریخ دریافت: ۹۹/۵/۱۹ تاریخ پذیرش: ۹۹/۶/۲۸

چکیده

پژوهش حاضر درصدد بررسی دلایل ناکارآمدی بازار و اصناف در تحولات دوران پهلوی اول (۱۳۲۰) است. از این منظر پس از بسط فضای مفهومی موضوع، به بررسی نقش و کارکرد اصناف خواهد پرداخت. مطابق با مستندات موضوعی ارائه شده در این پژوهش، روش تحقیق، توصیفی-تحلیلی و روش گردآوری اطلاعات در این پژوهش، کتابخانه‌ای می‌باشد یافته‌های تحقیق حکایت از آن دارند که بازاریان و اصناف در اثر نفوذ خارجی، گسترش و چاپ روزنامه نقش و کارکرد آنها از حوزه صرف اقتصادی و تجاری خارج شده و جنبه سیاسی و اجتماعی به خود گرفته است که این موضوع ساختار و ماهیت اصناف و بازاریان را دچار دگرگونی اساسی نموده و از حالت طبقه در خود خارج کرده و به طبقه‌ی خود تبدیل نمود است این موضوع سبب تاثیر گذاری بازاریان و اصناف بر تحولاتی از جمله شکل گیری نهضت تنباکو، مجلس وکلای تجار، انقلاب مشروطیت، مجلس ملی و شکل گیری بانک ملی شده به گونه‌ای که بازاریان دارای تاثیر گذاری مثبتی بر روند حوادث و تحولات تا این بازه زمانی بوده اند اما بعد از مشروطیت تا ۱۳۲۰ به علت فقدان اتحاد درون گروهی، ضعف آگاهی صنفی و طبقاتی و روی کار آمدن رضا شاه و تشکیل دولت و عدم تعادل طبقاتی و گرایش به زمین داری، بازاریان و اصناف دچار ناکارآمدی شده و نتوانستند بر تحولات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی تاثیرات مثبتی بگذارند.

کلید واژه‌ها: ایران، قاجار و پهلوی، بازار و اصناف، انقلاب مشروطه

بعد از انقلاب مشروطیت، در نتیجه برنامه های نوسازی دولتی، جایگاه و موقعیت بسیاری از اقشار جامعه تغییر یافت و این موضوع بر جنبه های مختلف حیات آنان تاثیر گذاشت. اصناف و بازاریان از مهم ترین این اقشاری بودند که با توجه به موقعیت شغلی شان، کارکردهای سیاسی، اقتصادی پررنگی داشتند و به مثابه طبقه ای سیاسی-اقتصادی ایفای نقش کردند. از این رو در مطالعه سیر تاریخی ایران و خصوصا تاریخ معاصر ایران، بایستی همواره متوجه نقش و کارکرد بازار و اصناف مختلف آن بود. این موضوع بعد از انقلاب مشروطیت، پر رنگ تر شد و آنان به عنوان یکی از اقشار میانی جامعه، در ساختار سیاسی-اقتصادی و کشاورزی، مداخله کردند؛ چرا که این گروه ها به عنوان بخشی از ساختار حیات شهری، با تاثیرپذیری از سیاست های دولتی و اوضاع جهانی، در جریان حوادث مهم کشور قرار گرفتند. گسترش آگاهی در میان این طبقه سبب تاثیر گذاری و تاثیر پذیری آنها از رویدادهای داخلی و خارجی گردید این وضعیت زمینه را برای نقش آفرینی بازاریان و اصناف در تحولات ایران از قاجاریه تا مشروطه و از مشروطه تا ۱۳۲۰ را فراهم نمود. ساختار اقتصادی - اجتماعی ایران در عصر قاجاریه به گونه ای بود که بازاریان و اصناف از عناصر پایه ای آن به حساب می آمدند این موضوع باعث شده بود تا اهمیت و اعتبار سرنوشت ساز تاریخی بازار و اصناف در روند حوادث و تحولات در تاریخ سیاسی و اجتماعی ایران بخصوص در عصر قاجار بسیار مهم و حائز اهمیت تلقی گردد. این قشر همواره در تمامی فعالیت ها و جنبش ها حضور داشته و با نشان دادن شیوه مبارزاتی همچون اعتصاب و تحصن؛ تعطیلی بازار و غیره حضور خود را به اثبات رسانیده اند. اما هر چه از قاجاریه به سمت پهلوی و تاریخ ۱۳۲۰ نزدیکتر می شویم شاهد نوعی انفعال و ضعف عملکردی در این طبقه هستیم عوامل چندی از جمله فقدان اتحاد درون طبقه ای، عدم آگاهی صنفی و ایدئولوژیکی، عدم تعادل طبقاتی در جامعه، برنامه های مدرن سازی رضا خان و در نهایت گرایش این طبقه به زمینداری و فاصله گرفتن از حرفه و موقعیت خود سبب شد تا شاهد کاهش تاثیر گذاری آنها باشیم.

لذا این پژوهش به طور ویژه به بررسی دلایل ناکارآمدی بازار و اصناف در تحولات دوران پهلوی اول (۱۳۲۰) می پردازد و کارکرد و تاثیر گذاری آنها را بر روند تحولات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی را مورد مطالعه قرار خواهد داد. همچنین با تقسیم بندی عملکردی بازاریان به دو دوره قبل از مشروطه با کارکردی مثبت و سازنده و بعد از مشروطه تا ۱۳۲۰ با ضعف ساختاری و به تبع آن عملکرد منفی اصناف و بازاریان خواهد پرداخت. لذا در این راستا این پژوهش با این سوال روبه رو می شود که چرا اصناف به مثابه احزاب نتوانستند تحول نوین و بنیادین در اقتصاد تجاری و بازرگانی در ایران ایجاد کنند و نیز مطالبات خود را از حکومت ها مطالبه کنند؟ چه دلایل برای ناکارآمدی آنها می توان نام برد؟

پیشینه تحقیق

در مورد تحول اصناف ایران در عصر قاجار و پهلوی اول تحقیقات کمی در دست است به جز کارهای احمد اشرف و ویلم فلور که در این زمینه انجام داده اند همین امر سبب شد تا با رویکردی نوین و از ابعاد و زوایای گوناگون به عوامل اثرگذار بر وضعیت اصناف ایران در عصر قاجار و پهلوی اول پرداخته شود اما تحقیقاتی که تا اندازه ای در راستای کار ما بوده و می توانند در این پژوهش به ما یاری رسانند به شرح زیر می باشند.

آدمیت و ناطق (افکار اجتماعی و سیاسی و اقتصادیدر آثار منتشر نشده دوران قاجار): نامبرده در ارائه مطالب خود از منابع و اسناد منتشر نشده عصر قاجار که شامل اندرزنامه ها، اسناد و مجموعه مدارک طبقه تجار و رسالات برخی از نویسندگان حوزه های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی ایران در سده گذشته ضمن بررسی آنان کمک مناسبی در معیار سنجش عقاید و آراء صاحب نظران دوره ذکر شده ارائه می نماید همچنین بخشی از مطالب خود را به جایگاه و اقدامات سیاسی - اجتماعی و قضایی طبقه تجار پرداخته است. مطالب ارائه شده ایشان جهت آگاهی یافتن از وضعیت اقتصادی - اجتماعی قابل بررسی می باشد. عبدالحسین نوایی (دولت های ایران از آغاز مشروطیت تا

اولتیماتوم): کتاب آقای نوایی در حقیقت مجموعه مقالات ایشان در دوران جوانی در مجله اطلاعات ماهیانه است که دربرگیرنده شرح رویداد-های ایران از سال ۱۳۲۴ تا ۱۳۳۰ق و بر محور دولت-ها می-باشد. ایراد عمده اثر مذکور در این است که هم به سبک روزنامه-ای و با موضع گیری خاص سیاسی نوشته شده و هم فاقد منابع و اسناد مورد استفاده نویسنده است. مهدی مجتهدی (رجال آذربایجان در عصر مشروطیت): این تالیف از نوع کتاب ذکر احوال و اقدامات فعالان دوره مشروطیت است. مجتهدی به توضیح سرگذشت و فعالیت یکصد و یازده نفر از رجال ادب و سیاست و دین و بازرگانان پرداخته است. او در کار خود همه فعالان مشروطیت را که در تبریز متولد شده‌اند به عنوان رجل آذربایجانی مورد مطالعه و توضیح قرار داده است او علاوه بر معرفی و شرح اقدامات هر یک از رجال، شجره‌ی خانوادگی آنان را در قبل و پس از مشروطیت ذکر کرده است و این از علل اهمیت کار اوست. فلور (اصناف در دوره قاجار): که با رویکردی تاریخی و تا حدود زیادی جامعه شناختی به بررسی ویژگی های شیوه های فعالیت، ساختار سازمانی اصناف و نیز روابط آنها با حکومت پرداخته است. این رساله، مرجع مهمی درباره اصناف عهد قاجار به شمار می آید و محققان بسیاری بدان استناد کرده اند. فلور همچنین در اثر خود بنام فلور همچنین در اثر خود « جستارهایی از تاریخ اجتماعی ایران در عصر قاجار » زمینه تاریخی و خصایص سازمانی، فعالیتها و کارکردهای اصناف را به بحث گذاشته است. احمد اشرف (موانع رشد سرمایه داری در ایران عصر قاجار): در بخش نخست کتاب خود، به ساختار، فعالیت و نقش اصناف در جامعه عصر قاجار پرداخته است و با مقایسه نسبی آنها با هم سنخ خود در اروپایی به این نتیجه می رسد که نبود تضاد میان شالوده های تولید شهری و روستایی، به سهم خود مانعی در برابر پیدایش سرمایه داری نوین در ایران بود. اسناد: مرکز اسناد ملی از مهمترین سازمان های ارایه سند است. در این مراکز به منظور یافتن اسنادی از خانواده های تجار برای فهم فعالیت آنان بخصوص مربوط به دوره مشروطه خواهی تلاش زیادی شد. حاصل تلاش ها آنکه اسناد مربوط به موضوعات کلی گمرکات و فعالیت ان و وزارت تجارت و مسایل بازرگانان در طی سالهای عصر مظفری

بدست آمد و مورد استفاده قرار گرفت. روزنامه‌ها: روزنامه‌هایی مانند اختر، جبل‌المتین، ثریا، پرورش، حکمت از جمله منابع مورد نیازی در این زمینه می‌باشند که به نوعی بازگو کننده حوادث و تحولات ایران عصر قاجار و بعد از آن می‌باشند. روزنامه جبل‌المتین: مهمترین ارگان طرفدار تجارت و اقتصاد ملی و بازرگانان ایران بود. مشوق تجار در پرداختن به طرح‌های ترقیخواهانه بود و در گزارشات خود در ایجاد آگاهی و علم در بین تجار می‌کوشید. روزنامه ثریا: در قاهره از سال ۱۳۱۶ هـ.ق به مدیریت میرزا علی محمدخان کاشانی و با همکاری سید فرج‌الله تاجر کاشانی چاپ و منتشر شد. روزنامه پرورش: که اولین شماره آن از سال ۱۳۱۸ هـ.ق منتشر شد، در مقایسه با روزنامه ثریا مقالات تند و شدیدتری منتشر می‌کرد و تاثیر اجتماعی آن به مراتب بیشتر بود. انتقادات شدید آن روزنامه از حکومت و مسایل دربار و دولت به آگاهی بیشتر مردم از اوضاع می‌انجامید.

لذا این پژوهش ضمن توجه به بحث نقش اصناف و واکنش آنها به تحولات دوران پهلوی اول به بررسی دلایل ناکارآمدی آنها به عنوان یک طبقه خواهد پرداخت.

بازاریان و اصناف

در ساختار اقتصادی قاجاریه، تجار و بازاریان در شمار نیرومندترین و ثروتمندترین طبقات اجتماعی جامعه ایران بودند. رشد شتابان تجارت خارجی و برخورد فزاینده تجار ایرانی با غرب و سفرهای خارجی باعث شد که آنان زودتر از دیگر اقشار و طبقات اجتماعی با دستاوردهای تمدن غرب آشنا شوند (محمد رحیم ربانی زاده و لطف‌الله لطفی، زمستان ۱۳۹۴: ص ۶۹). طبقه تجار هم چون سایر طبقات در جامعه ایران عصر قاجار در ساختار قدرت، نه تنها مستقل از حکومت نبود بلکه کاملاً وابسته به حکومت بود و قدرت سیاسی مجالی برای رشد طبقات اجتماعی مستقل باقی نمی‌گذاشت. بدین لحاظ حکومت، نماینده هیچ طبقه‌ای از جمله تجار نبود بلکه این

طبقات تحت سلطه حکومت قرار داشتند و به این ترتیب هیچ یک از طبقات در برابر دولت حقوقی نداشتند. این گونه بود که تجار جهت دستیابی استقلال طبقاتی خود راهی جز ایستادگی و مقاومت در برابر ساختار قدرت از خود نداشتند (همان، ص ۶۹) با گذشت زمان و در پی ایجاد مشاغل و موقعیت های جدید اجتماعی، و پیشرفت علم جامعه شناسی در شاخه های متعدد، تعداد طبقات رو به فزونی نهاد و در دسته بندی افراد جامعه، دسته های دیگری نیز پا به عرصه وجود گذاشتند. از جمله این طبقات می توان «تجار» را نام برد که برخلاف نقش تاثیرگذارشان در جریان ها و تحولات تاریخی ایران، تا چندین سده پیش، نه به عنوان یک طبقه شناخته شده و مستقل، بلکه زیر مجموعه توده ملت و در کنار دیگر افراد صاحبان حرف، مانند اصناف و پیشه وران، تقسیم می شدند. تا اینکه در طول چند سده اخیر در سایه بازشناسی هویت اجتماعی و جایگاهی که در روابط سیاسی و اقتصادی جامعه ایرانی پیدا کردند خود را تا یک طبقه مستقل اجتماعی بالا کشیدند و در مناسبات کلان کشور، و گاه در برخی در دوره ها نقش کلیدی و محوری به دست آوردند. (یحیی آریا بخشایش، ۱۳۹۰: ص ۴-۷)

خودآگاهی از منافع جمعی و مشترک، احساس تعلق و همبستگی، مشارکت در فعالیت های اجتماعی و سیاسی، سازمان یابی منسجم و وجود ارتباط گسترده میان اجزا، به عنوان عمده ترین و اساسی ترین شاخصه ها برای تشریح و تحلیل ماهیت درونی و طبقاتی تجار حائز اهمیت است؛ چرا که با اندک تاملی در میزان مناسبات و روابط موجود میان تجار شهرهای مختلف ایران در دوره قاجار می توان به این نکته دست یافت که این طبقه به عنوان یک طبقه اقتصادی اگر چه از موقعیت مشترک در بازار و فرصت های زندگی مشابه برخوردار بوده است. اما تا پیش از آغاز عصر امتیازات به دلایل جغرافیایی، شغلی، قومی و مذهبی به منافع جمعی و مشترک که نه تنها میان تجار شهرها، بلکه حتی میان تجار میان یک شهر، به دلایل محلی و قومی و مذهبی شکل نگرفت، وجود نداشت. (زین العابدین مراغه ای، ۱۳۶۴: ص ۹۷)

ویژگی های مشترکی دیگری هم میان بازرگانان آن دوره می توان نشان داد که مهمترین آنها عبارت است از : ۱- موقعیت مشترک در بازار. ۲- برخورداری از فرصت های زندگی مشابه . ۳- داشتن سواد خواندن و نوشتن به ویژه تسلط نسبی به حساب و ریاضی و علم سیاق. ۵- سکونت در محلات نسبتاً متمول شهر با خانه ای وسیع و زیبا. ۶- پوشیدن لباس مخصوص که معمولاً عمامه ای از شال ترمه و کلاه بخارایی ، پیراهن پنبه ای و لباس رسمی تهیه شده از پارچه پنبه ، مخمل یا ساتن بود. (یحیی آریا بخشایش ، ص ۶-۱۲)

بازاریان همواره در تحولات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی دارای نقش اساسی بوده و محدود به قبل از مشروطیت نمی باشد بلکه این طبقه به مرور زمان و در جریان تحولات قبل از مشروطیت و افزایش آگاهی، آنها به طبقه از خود به طبقه برای خود تبدیل شدند این موضوع سبب شد تا آنها یکی از بنیان اصلی مشروطیت تلقی شده و همواره در تحولات مشروطه و پسا مشروطیت به ایفای نقش پردازند لذا ما در این فصل سیر تاثیر گذاری بازاریان و اصناف را بر تحولات پسا مشروطه تا پهلوی اول ۱۳۲۰ مورد مطالعه قرار خواهیم داد.

به قدرت رسیدن رضا خان و جایگاه اصناف

رضا خان (زرگر، ص ۱۳۰-۱۵۰) در ۲۴ آذر ماه سال ۱۳۰۴ خورشیدی ، در پی یک کودتا و حضور در مجلس شورای ملی و با ادای سوگند به قرآن رسماً به عنوان سر دودمان پهلوی وظایف سلطنت را بر عهده گرفت (همان) بازاریان همواره خواهان دولتی منطقی، قانونمند، مستقل و مقتدر بودند که بتواند در برابر مداخلات بیگانگان بایستد، امنیت و امکانات لازم را جهت رونق داد و ستد و کسب و کار فراهم کند، از مداخله در امور بازار خودداری کند، به لیبرالیزم سیاسی و اقتصادی پایبند باشد و به ارزشها و سنتهای مورد احترام جامعه نیز احترام بگذارد (مرتضی دهقانی نژادو عادل رستمی، ۱۳۹۶ : ص ۱۰۷)

مسئله تحقق چنین مطالباتی، می توانست منافع بازاریان را تامین کند و از ارزشهای مورد احترام آنها نیز محافظت کند.

از این رو اصناف و بازاریان با سازمان منظم درونی خود، از جمله طبقات مهم جامعه بودند که در دوره شش ساله، یعنی از کودتا تا مجلس مؤسسان، در جریان حوادث روز قرار داشتند. در کودتای رضاخان، آنان همچون بسیاری از مردم تهران، با دیده خوش بینی و حسن نیت، به این مسئله نگرسته و وقوع آن را اتفاقی مثبت و تأثیرگذار، در سرنوشت خود دانستند. لذا در جریان به سلطنت رسیدن رضاخان، اصناف و پیشه وران که از احمدشاه قاجار قطع امید کرده بودند، شرکت کردند و به او تبریک گفتند. بعد از انصراف رضاخان از جمهوری خواهی، بزرگان اصناف تبریز، مانند تهران، در بازار دست به اعتصاب زدند و با تلگرافی، اعلام کردند اگر مجلس رضاخان را به جای احمدشاه نگذارد، آذربایجان را جدا خواهند کرد (Wilber, ۱۹۷۵: pp: ۷۹)

از این رو می توان به جهت گیری بازاریان و اصناف به رضاخان را جهت گیری دوسویه نامید بدین صورت که به قول اشرف: «نگرش بازاریان در طول سلطنت رضاخان دوسویه بود؛ درحالی که از استقرار نظم و قانون و رشد اقتصادی استقبال می کردند، از مداخله بیش از حد دولت در فعالیت های تجاری ابراز تنفر داشتند، سرکوب بازاریان توسط دولت، پیشرفت های جدید شهری که یکپارچگی فیزیکی بازار را تضعیف کرد و انحراف از قوانین اسلامی که از نتایج حاصل از فرآیند غربگرایی بود، انجام شد» (Ashraf, ۱۹۹۰: pp: ۳۸)

اما با این اوصاف جمعی از تجار و کسبه بازار که با کمک نظمی، در فضای مدرسه نظام، روبه روی خانه سردار سپه چادر برپا کرده بودند، به امید آنکه بعد از تاج گذاری، سخنان خوش از او بشنوند، دو مطلب خواستند: کوتاه کردن دست قاجاریه از سلطنت و گذاشتن تاج کیانی بر سر. (دولت آبادی، ج ۴ ص ۴-۳۷۹) تجار برجسته و قدیمی، همچون امین الضرب و محمدتقی بنکدار، در انتخاب او حضور داشتند. (محمدعلی همایون کاتوزیان، ۱۳۸۲: ص ۳۸)

بنابراین گزارش فوق، ناشی از امیدواری این طبقه جامعه، به روی کارآمدن رضاخان بود و اینکه بدین وسیله، منافع خود را حفظ کنند. این وضعیت نشان می دهد که بازاریان و اصناف ابتدا از رضاخان حمایت کردند و اقدام او را لازم و راهی برای پایان دادن به هرج و مرج اواخر قاجار و تضمین امنیت شغلی دانستند؛ بنابراین در نتیجه اقدامات رضاخان برای ایجاد امنیت و ثبات سیاسی، تجار و اصناف تهران تشکرنامه های بسیاری به پاس زحمات او به پایتخت ارسال کردند. (روزنامه ایران، س.ش، ۱۱۰۴ (۲۹ رجب ۱۳۴۰ق)، ص ۲)

این به علت تأثیرات سوء ناامنی، بر حیات آنان بود که اصناف وجود آرامش و نظم داخلی را برای انجام فعالیت خود لازم می دانستند. در نتیجه سرکوب عشایر جنوب به دست رضاخان، عده فراوانی از رؤسای اصناف، به استقبال او رفتند و بیانیه ای در مجلس، در مدح سیاست های عشایری او صادر کردند (حبل المتین، س. ۳۳، ش ۲ (۲۳ جمادی الثانی ۱۳۴۲)، ص ۱۰-۱۱) لذا بازاریان و اصناف علاوه بر حمایت از رضا خان آنها در جریان انتخابات مجلس چهارم نیز در سال های ۱۳۰۰ تا ۱۳۰۲ ش/ ۱۹۲۱ تا ۱۹۲۳ م، وقتی احزاب سیاسی برنامه های خود را تشریح کردند، تجار، کسبه و پیشه وران، متمایل به رجالی بودند که برای اصلاحات ملی، امنیت، رونق تجارت و... آمادگی داشتند (بهار، ج ۲ ص ۳۲)

مدرن سازی رضا شاه و اصناف

تجدد طلبی (مدرنیزیم) به مفهوم تاریخی، پدیده عظیم و سازنده تمدن جدید غربی است. تجدد طلبی به مفهوم دانش سیاسی و جامعه شناسی، تغییر و تحول و تکامل هیات جامعه است. در رابطه با مدنیت غرب، تحولی که عام و همه جانبه است شامل سیاست، اخلاق اقتصاد، عقاید و کردار اجتماعی و ارزشهای آدمی است که از طبیعت مادی ناشی می شود. در مشرق زمین، فکر و ترقی و تجدد طلبی، به عنوان ایدئولوژی اجتماعی نو، در نیمه سده نوزدهم در چند کشور، از جمله ایران نمایان گردید که این سیر و اندیشه جدید اجتماعی، مراحل را طی نمود و به فرهنگی مشرق زمین، بر جای نهاد. (داود امینی، ۱۳۸۲: ص ۱۵) تأثیرات فکری نهضت مشروطیت و حضور طبقه

جدید تحصیل کردگان غرب در کنار طبقه حاکم، بیش از هر عامل دیگری، سبب رویکرد پهلوی اول به مدرن‌سازی در کشور شد؛ تأسیس ارتش نوین، درهم‌شکستن نظام ملوک‌الطوایفی، متحدالشکل کردن لباس، خرید سلاح‌های جدید، ایجاد راه‌های ارتباطی، تأسیس دانشکده افسری، تأسیس بانک سپه برای سامان بخشیدن به امور مالی و حقوقی نظامیان، تصویب قانون نظام اجباری، تأسیس سازمان ثبت احوال برای شناسایی مشمولان نظام اجباری، و... نه از روحیه نظامی‌گری رضاشاه، بلکه از خواست‌ها و آرمان‌های روشنفکرانی ناشی می‌شد که تنها راه رسیدن به تمدن غرب را دوری از سنت‌های دینی حاکم بر جامعه ایرانی می‌دانستند. این مسئله در کنار تحولاتی که مصطفی کمال در ترکیه به راه انداخت، توجه شاه و حامیان او را به خود جلب کرد و آنان را به اقتباس از اقدامات ضد مذهبی آتاتورک فراخواند برای مطالعه بیشتر رجوع شود به: محمدرحیم عیوضی، طبقات اجتماعی و رژیم شاه (تهران: مرکز اسناد و انقلاب اسلامی، ۱۳۸۰) و حسام‌الدین آشنا، فرهنگ و تبلیغات حکومت در ایران (تهران، دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۷۳).

مدرن سازی رضا شاه و اصناف

در عصر مشروطیت، اصناف طبقه جداگانه ای بودند و دست کم استقلال بیشتری داشتند؛ ولی در اواسط سلطنت رضاشاه، آنان در مذاکرات نمایندگان راجع به مالیات بر عایدات، جزء طبقه تجار محسوب می شدند. (مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره نهم، ۲۹ آبان ۱۳۱۲)، جلسه ۵۰ هیئت اصناف کرمان در سال ۱۳۰۳ شمسی به دلیل اینکه بلدیه این شهر برخی از دکاکین اصناف را تخریب نموده بود، دست به تحصن زدند (آرشیو مرکز اسناد و کتابخانه ملی، فیش شماره ۰۰۰۱۰۴۸) طی اعتراضی جمعی و گسترده؛ مالکین، زارعین، تجار و اصناف در شهرهای ارومیه، سلدوز و سلماس در سال ۱۳۰۵ شمسی نسبت به اقدامات اداره مالیه بابت مطالبه مالیات املاک واکنش نشان داده و دست به تحصن در تلگرافخانه زدند. (آرشیو مرکز اسناد و کتابخانه

ملی، شماره مدرک ۲۴۰۰۳۸۸۵۹) در سال ۱۳۰۶ شمسی اصناف قمشه (شهرضا) در اعتراض به مأمور سربازگیری دست به اعتصاب زدند (آرشیو مرکز اسناد و کتابخانه ملی، فیش شماره ۰۰۰۸۰۰۸۰) اهالی بوشهر اعتراض به مظالم رئیس و مأمورین عدلیه نسبت به اصناف، در سال ۱۳۰۷ شمسی در تلگرافخانه این شهر تحصن کردند. (آرشیو مرکز اسناد و کتابخانه ملی، فیش شماره ۰۲۷۳۰۰۳۴)

مورد دیگر در این زمینه گسترش تجارت خارجی و ورود صنایع و کارخانجات خارجی در ایران بود این موضوع اصناف و تجار ایران را در موضع ضعف قرار داد و در رقابت با خارجی ها ناتوانی آنها بیش از پیش نمایان شد به عنوان مثال در این زمینه می توان به کارخانه میریت سازی تبریز اشاره نمود که به علت رقابت منفی شرکت های خارجی درصدد استمداد از نمایندگان مجلس برآمد. در این راستا در نامه ای که نمایندگان اصناف تبریز «محمد صادق خرازی» به دارالشورای ملی ارسال نمود «در نتیجه فشار روز افزون خارجی» علیرغم همه مشکلات و با تحمل هزاران زحمت «بی پایان» «بالاخره در این دوره پریشانی و فلاکت یک قسمت از صدها احتیاجات مملکت را برعهده گرفته و موجب امرار معاش چندین صد نفر اولاد ایرانی گردیده که هر گاه آن حضرت عالی توجه مخصوص برای برانداختن این اوضاع وخیم نفرمایید نزدیک است از این کارخانه نام و نشانی باقی نماند» (کتاب خانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای ملی، (کمام)، ۶، ۱۳۰۵/۲۳/۱۶/۱/۳۵ (ص ۲)

نظام مالیاتی و اعتراض اصناف و بازاریان

قانون مالیات بر درآمد مصوبه ۱۲ و ۱۶ فروردین ۱۳۰۹ شمسی و سرآغاز تحول عمده ای در قوانین مالیاتی ایران به شمار می رفت. بر اساس این قانون برای نخستین بار از کلیه شرکت های انتفاعی، کارخانه جات، بانک ها و موسسات صرافی، بازرگانان، اصناف و دلالان و وکلای دادگستری، پزشکان، حقوق بگیران دولتی و سایر درآمدها مالیات اخذ می شد. (عنایت الله شاپوریان، ۱۳۵۰:

ص ۱۹۵-۱۹۶) اما قانون مذکور که مبتنی بر دریافت مبلغ مشخص مالیات سالیانه و منظم از اصناف و تجار بود دارای نواقض و معایبی بود از جمله اینکه برابر ماده ۴ و ۵ آن اصناف و تجار طبقه بندی شده و برای هر یک از طبقات مذکور مالیت مقطوعی مشخص گشته بود حال آنکه شاخص درجه و طبقه در قانون پیش بینی نگردیده و قاعداتاً به عهده خود مودیان بود و این موضوع خلاف منطق بود. از آن جایی که قانون مالیات بر درآمد ساختار نظام طبقاتی را در ایران احیا می نمود، در تاریخ ۲۹ آبان ۱۳۱۲ ش، قانون مالیات بر درآمد دیگری از تصویب مجلس شورای ملی گذشت که قانون قبلی را ملغی می کرد. در قانون مالیات بر درآمد ۱۳۱۲ ش که مشتمل بر ۳۲ ماده بود بر خلاف قانون ۱۳۰۹ ش میزان معاملات به عنوان ماخذ تشخیص و وصول مالیات تعیین شد. (امحمد حسین حمدی، ۱۳۵۰: ص ۱۳۱-۱۳۲) در مصوبه جدید بر خلاف قانون ۱۳۰۹ ش، اصناف و تجار از لحاظ مالیات در یک طبقه شغلی قرار می گرفتند و روش طبقاتی که در قانون مالیات بر درآمد سال ۱۳۰۹ ش استفاده شده بود از جهت حفظ تساوی طبقات در نظام اجتماعی حذف و لغو گردید و وجه تمایزی میان تجار و اصناف در نظر گرفته نشده بود. (کاظم ال یاسین، ۱۳۷۱: ص ۱۶۴-۱۶۷) این وضعیت قوانین مالیاتی مورد مخالف اصناف و بازاریان قرار گرفت. شرایط نامساعد شغلی در میان برخی از اصناف مورد توجه مجلس نیز قرار گرفت. دوره پنجم، نمایندگان مجلس نسبت به افزایش مالیات های مستقیم از جمله مالیات اصناف و یا وضع مالیات جدید برای اصناف ضعیف هشدار داده و خواستار منع قانونی برای مالیات های صنفی شدند. در این دوره بخش عمده ای از کل دریافتی مالیات مستقیم نقدی به مبلغ سه میلیون و هفتصد و بیست و پنج هزار تومان، برعهده زارعین و مالکین و اصناف دریافت می شد. (مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره ۵، جلسه ۸۱)

بنابراین می توان اذعان داشت که دوران فعالیت های گسترده و تأثیرگذار تجار و پیشه وران، در آغاز سده ۱۴ ق، با ظهور حکومت پهلوی اول دچار دگرگونی های در ساختار

و تشکیلات و حوزه های مختلف آنها شد و وضع قوانین مالیاتی جدید تقریباً مشکلاتی برای آنها را فراهم نمود. با وضع قوانین جدید مالیاتی تعیینی در طبقه اصناف به وجود آمد به گونه ای که در عصر مشروطیت، اصناف طبقه جداگانه ای بودند و دست کم استقلال بیشتری داشتند؛ ولی در اواسط سلطنت رضاشاه، آنان در مذاکرات نمایندگان راجع به مالیات بر عایدات، جزء طبقه تجار محسوب می شدند. (مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره ۹، (۲۹ آبان ۱۳۱۲) جلسه ۵۰)

در این راستا می توان به مشروح مذاکرات مجلس ایتناد نمود که در آن مطرح می شود که: «...» قلم دوم مالیات علاقه بند است همه می دانند که در قدیم یک صنف سرمایه دار، یک صنف با آبرو و با سرمایه که در ایران بود علاقه بند بود که در کاشان، یزد، کرمان گاهی هم در شیراز کارخانه های ابریشم سازی داشته و علاقه بندها ابریشم تهیه می کردند و آن وقت هم مردم چشمشان به این حرف ها و ریسمانهای فرنگی نیفتاده بود. می رفتند ابریشم ها را می گرفتند و لباس می دوختند... خلاصه علاقه بندی یک صنف بسیار خوبی بود... علاقه بندها به کلی از بین رفته و بی بضاعت شده اند یک مالیاتی از صنف علاقه بند گرفته می شده و به جزء جمع آمده و می گرفته اند. حالا هم همان طور گرفته می شود. از کی می گیرند؟ آنها که از بین رفته اند...» (مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره ۵، جلسه ۸۱)

الغای مالیات صنفی و سرشماری و واکنش اصناف

با جلوس رضا شاه به تخت سلطنت، به مانند دوره قاجار، همچنان یکی از منابع درآمد حکومت جدید، درآمدهای مالیاتی بود. با تثبیت قدرت دولت مرکزی، رضا شاه درصدد برآمد، اقتصاد کشور را نیز سر و سامان دهد. لذا همزمان با اولین سال به تخت نشستن رضا شاه پهلوی، به مناسبت الغای مالیات های صنفی و سرانه تمامی شهرهای ایران اعلامی از طرف حکومت پهلوی صادر

شد. این اعلان نسبتاً عریض و طویل دیوانی و حکومتی، در زمره یک سیاهه رسانه ای بود که بر طبق ۲۰ آذر ۱۳۰۵ ش، مصوب مجلس شورای ملی به ریاست محمد تدین، تدوین یافته تا بدین وسیله کلیه مالیات های صنفی که شهر ها و قصبات و قراء دریافت می شده است، از تعداد ۲۶۷ فقره شغل حرف حقیقی و مجازی که در دوران میانی حکومت قاجار تا سال روی کار آمدن سلسله پهلوی و در ادامه راه در ایران و به طور معمول فعال و صاحب شخصیت صنفی و اجتماعی بوده اند، از ابتدای سال ۱۳۰۶ ش، وجهی به عنوان مالیات های جاری و بقایا از این صنوف دریافت و مطالبه نشود. (رضا مختاری، ۱۳۸۰: ۱۵۲-۱۵۷)

اما نارضایتی از مالیات صنفی در میان اصناف در دوره مورد نظر چنان گسترده و همه گیر شد که دولت را واداشت تا در سال ۱۳۰۵ ش، به طور رسمی و قانونی این نوع مالیات را ملغی اعلام کند. حتی پس از الغای رسمی قانون مالیات صنفی، وزارت مالیه طی بخشنامه ای به دوایر مالیاتی ولایات دستور داد که با وجود ضعف بنیه مالی اصناف، از دریافت بقایای مالیات صنفی تا سال ۱۳۰۴ ش، صرفنظر نموده و فقط مالیات سال ۱۳۰۵ را تا آخر مطالبه کنند؛ (روزنامه اطلاعات، ۲۲س، ش ۱۴۹) (بهمن ۱۳۰۵)، ص ۱) چرا که اصناف به شیوه مالیات گیری کهن از اصناف معترض بودند؛ چرا که توانایی پرداخت مالیات های خود را نداشتند. فوران به درستی اشاره می کند که یکی از علل لغو مالیات صنفی، سطح بسیار پایین درآمدها بود (جان فوران ۱۳۹۲: ص ۳۵۸)

این نارضایتی اصناف حتی به نمایندگان مجلس نیز سرایت کرده بود. صورت مذاکرات مجلس شورای اسلامی به نامه نماینده بابل در مجلس استناد می کند که می فرماید: «با اشاره به حبس دست فروشهای این شهر توسط نظمی به دلیل عدم توانایی پرداخت مالیات صنفی از سایر نمایندگان می خواهد حتی در صورت تصویب این قانون از ابتدای

سال ۱۳۰۶، برای رهایی این دسته از اصناف بی بضاعت و دربند، چاره‌ای بیندیشندان باور وجود داشت که این مالیات‌ها اغلب صورت مالیاتی و قانونی نداشته و در واقع نوعی مالیات استبدادی بوده‌اند که با زور از مردم اخذ می‌شود، بنابراین ادامه دریافت آن ولو به مدت سه ماه، محلی از اعراب ندارد» (مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره ۶، جلسه ۴۰) از این رو در اردیبهشت سال ۱۳۰۳ ش. لایحه‌ای به مجلس تقدیم و طی آن قرار شد که اخذ و وصول ۲۸ فقره مالیات‌های غیرمستقیم و ۱۴۹ فقره مالیات‌های مستقیم متروک شده و ظرف یکسال پس از اجرای این قانون، لغو قطعی تمامی مالیات‌های مزبور به مجلس پیشنهاد شود. استناد موجود در این زمینه به قرار زیر است.

«بیست و هشت فقره مالیات غیرمستقیم در این لایحه، شامل مواردی چون مالیات حراج، نمایش، قپان، دلالی تریاک، مالیات لش‌کشی و . . . و ۱۴۹ مالیات مستقیم، شامل مالیات صنفی صد و چهل و نه حرفه همچون بزاز، علاقه‌بند، سمسار، مسگر، نمدمال، پاره‌دوز و مشاغلی از این دست بود. بنا بر ماده ششم این لایحه، وزارت مالیه مأمورتهیه نظا منامه برای اجرای این قانون و اجرای آن شده و مقرر شد که این قانون به مجرد تصویب به موقع اجرا گذارده شود» (مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره ۵، جلسه ۱۵)

تحلیل لغو مالیات صنفی و سرشماری و واکنش اصناف

در تحلیل واکنش اصناف به لغو مالیات صنفی و سرشماری ما به دو نوع نگاه اصناف و بازاریان روبه‌رو هستیم، اولاً؛ شرایط رقم‌خورده برای اصناف و بازاریان از جمله: کسادگی و کار بسیاری از اصناف در پی تغییر شرایط اجتماعی و اقتصادی، ادغام تدریجی ایران در اقتصاد جهانی، تغییر ذائقه عمومی نسبت به محصولات داخلی و گرایش عمومی

نسبت به محصولات خارجی، واردات، کاهش درآمد و بحران های مالی، مواجهه با دوران جدید و تغییر سبک زندگی در ناتوانی نسبت به پرداخت مالیات صنفی مؤثر بوده است لذا این موارد شرایطی را رقم زده بودند که اصناف را بیش از پیش ضعیف نموده و آنها ناتوان از پرداخت مالیات بودند لذا این ناتوانی خود را با عریضه و اعتراضات به دربار و مجلس نشان داند و وقتی رضاشاه با لغو این مالیات موافقت نمود این موضوع سبب خوشحالی و امیدواری اصناف و بازاریان شد. دوما؛ اما روی دیگر سکه این بود که، مشکلات اجرایی ناشی از تصویب قانون الغای مالیات صنفی، از جمله وقفه ایجاد شده بین زمان تصویب این قانون تا زمان اجرایی شدن آن و نارضایتی از عملکرد عمال محلی مالیات، در نارضایتی اصناف پس از لغو قانونی مالیات صنفی از علل عمده نارضایتی اصناف در این زمینه بوده است. این موضوع به همراه اینکه گر چه قانون لغو مالیات صنفی و سرشماری در سراسر کشور اعلام شده بود اما حکام محلی بی توجه به این قانون همچنان در صدد اخذ این مالیات بودند و این مسئله موجب نارضایتی اصناف و بازاریان گردید.

متحد الشکل کردن لباس و واکنش بازاریان و اصناف: هماهنگ با برنامه های مدرن سازی پهلوی اول، در ۴ دی ماه ۱۳۰۷ لایحه ای درباره لباس متحدالشکل تقدیم مجلس شد که دارای دو ماده بود: ۱- کلیه اتباع ایرانی که برحسب مشاغل دولتی دارای لباس مخصوصی نیستند، در داخل مملکت مکلف اند با لباس متحدالشکل، یعنی کلاه پهلوی و نیم تنه بافته شده در ایران، ملبس شوند؛ ۲- طبقات شش گانه زیر از مقررات بند یک این قانون مستثنا هستند: مجتهدان مجاز، مراجع امور شرعیه دهات و قصبات، علمای اهل سنت، پیش نمازان صاحب محراب، محصلان مجاز که از سوی دو تن از مجتهدان مجاز تأیید شده باشند، طلاب محصل فقه و اصول، مدرسان فقه و اصول، و روحانیان ایرانی غیرمسلم. در ادامه این تصمیم، در سال ۱۳۱۴ رفع حجاب از زنان نیز به طور رسمی اعلام شد. لباس و پوشاک هر جامعه، به تناسب اعتقادات دینی، فرهنگ، آداب و رسوم ملی و شرایط اجتماعی و اقلیمی با دیگر جوامع، متفاوت است. اقوام ایرانی، از دیر باز دارای لباس

و پوشش مخصوص به خود بودند و رضا شاه ابتدا با به کار گیری زور، کلاه لبه دار موسوم به کلاه پهلوی را در میان مردم متداول کرد، اما پس از بازگشت از سفر ترکیه، به تقلید از آتاتورک دستور داد که کلاه پهلوی نیز ممنوع و منسوخ شود و اعلام کرد که از این پس مردان باید کلاه شاپور بر سر بگذارند. (علی قدیانی، ۱۳۸۸: ص ۱۶۲)

در خصوص متحد و الشکل کرد لباس و واکنش آن در میان بازاریان با دو رویکرد از سوی اصناف و بازاریان روبه رو هستیم از یک طرف آنها استقبال کرده به عنوان نمونه می توان به اسناد زیر استناد کرد که: گروهی از اعیان و تجّار با برگزاری جشنی به همراه « خانم های بدون چادر» خود در آن جشن شرکت نمودند و مدیر دبستان اصطهبانات از تاثیرات مثبت آن به اداره ایالتی خبر داد (سازمان اسناد و کتابخانه ملی، شماره فیش، ۲۵۰/۵۴۱۲)

در همین راستا رئیس شهربانی لار، در نام های محرمانه، در تاریخ ۴ / ۱۶ / ۱۳۱۵، از ضرورت اقداماتی در چند روز آینده جهت برگزاری مجالس خبر می دهد که در آن « خانم های تجّار و اعیان با لباس مرتب» حاضر می شوند و تدابیری جهت ادامه این برنامه در منزل تجّار سرشناس شهر خواهد شد و برگزاری جشن در باغ ملی و دعوت از کلیه طبقات از سوی اداره شهرداری را از برنامه های آتی می داند که در پیشبرد کار مؤثر خواهد بود (سازمان اسناد و کتابخانه ملی، شماره فیش، ۳۵۰/۳۵۵) در مثال دیگر در مهرماه ۱۳۰۷ قبل از اینکه رضاشاه به مازندران مسافرت نماید عموم تجار و اصناف شهر بابل در سبزه میدان شهر به مناسبت کلاه و لباس متحدالشکل جشنی برپا کرده بودند و هر یک از طبقات تجار و اصناف، قسمتی از باغ و خیابان های اطراف را به خود اختصاص داده بودند و به اندازه توانایی مالی خود دست به تزئین غرفه خود زده و برای اجرای پوشاک یکسان تبلیغ می کردند و تا زمان ورود رضاشاه مجالس و جشن خود را دنبال نمود (شفق سرخ، س

ش. ۱۰۵۹ (چهارشنبه ۱۱ مهر ۱۳۰۷)، ص ۱(۲) در کنار تجار و کسبه، جمعی از ارباب عمام نیز دست به تغییر لباس زده بودند. - (سازمان اسناد ملی، شماره فیش ۲۹۰۰۰۴۶۳۱، محل در آرشیو ۷۶۵ ن ۵ آب ۱، پیشرفت قانون کشف حجاب و متحدالشکل شدن. پیشرفت قانون کشف حجاب و متحدالشکل شدن البسه، نامه حکومت مازندران به وزارت داخله، ۷/ ۱۳۱۴/۱۱، نمره ۶۰۵۱)

در سند دیگر در شهرستان آمل جمعی از مردم در اجرای این قانون شادمانی کردند و حتی جمعی از تجار این شهرستان به دلیل کمبود کلاه پهلوی، تقاضای ارسال کلاه از تهران نمودند. (سازمان اسناد ملی، شماره فیش ۲۹۰۰۰۴۶۳۱، محل در آرشیو ۷۶۵ ن ۵ آب ۱، پیشرفت اجرای قانون کشف حجاب و البسه متحدالشکل، نامه حکومت مازندران به وزارت داخله ۱۳۱۵/۳/۱۹ نمره ۲۱۶۱، سازمان اسناد ملی، شماره مدرک ۲۹۰۰۰۸۲۳۹، محل در آرشیو ۵۰۴ ه آب ۱، راپورت حکومت آمل به وزارت داخله درباره علاقمندی مردم به استفاده از پوشاک متحدالشکل، ۱۳۰۷/۶/۱۹، نمره ۵۵۳) اما درست در مقابل گروه اول گروه دومی از اصناف و تجار مخالف جدی این موضوع بوده اند به گونه ای که بازاریان بسیاری از طریق فروش کلاه های گوناگون، امرار معاش می کردند که این قانون باعث کساد بازار آنان می شد و نه تنها این صنف که اصناف فراوانی، از سیاست های دولتی در بازار، متحمل خسارت می شدند. این بود که واکنش نشان دادند؛ بنابراین انگیزه اقتصادی و مذهبی آنان را به واکنش وامی داشت. بنابراین می توان بازاریان و اصناف را جزء مخالفین برنامه های نوسازی و متحد الشکل کردن لباس بودند به گونه ای که عصر رضاشاه، در مقایسه با قبل، دوره شروع اقدامات نوسازی و ایجاد تغییراتی در کشور بود.

به هنگامی که در کرمانشاه انحصار ورود کلاه پهلوی را چهار تن از تجار به عهده گرفته و بازار کلاه دوزان شهر را کساد کردند، صنف کلاه مال در واکنش به این اقدام تجار، طی عریضه ای به مقام رئیس الوزرا با عنوان «بدبختان جماعت کلاه مال های دارالدوله» در ۲۹ شهریور ۱۳۰۶ چنین نوشتند «مقام منبع رفیع ریاست محترم کابینه وزرا دامت عظمته تضرعاً به عرض می رساند : قریب صد نفر ما بدبختان اصناف کلاه مال از میان رفته و به شام شب محتاج گردیده به واسطه ضدیت سه چهار نفر که کلاه از خارج وارد می کنند و ما بیچارگان در فشار و پریشانی گرفتار گردیده : اولاً در کرمانشاه کارخانه دارند و به علاوه از خارج هم کلاه وارد می کنند و چاکران با نهایت سختی و ضعف و پریشانی از نظامیان و غیره و ادار هجات لقمه نانی تحصیل می نمودیم و الحال که از طرف دولت حکم شده که ادار هجات و عموم مستخدمین کلاه پارچ های بگذارند، چاکران مأیوس و ناامید و کسب دیگر هم بلد نیستیم و راه چاره مسدود ، سوای آستان قدس استدعا داریم که حکمی صادر شود، حضراتی که کلاه وارد می کنند کارخانه نداشته باشند . آنقدر باشد که ما بیچارگان عیالات خود نگذاریم و فرار به دولت خارجه هم شویم» (رحیم روحبخش، ۱۳۸۵: ص ۵)

ادرس: دکان استاد صفرخان، نماینده کلاه ما لهای دارالدوله

عریضه و تقاضای صنف عباباف اصفهان از رضاشاه برای جلوگیری از اجرای قانون منع پوشیدن عبا از جمله این واکنشها بود:

«...امیدواریم امر اکید فرمایید به اولیای مجلس تا نظری جدید نموده و ترتیبی بدهند که عبا ممنوع نباشد و با لباس متحدالشکلی پوشیده شود. اگر عبابافی موقوف

گردد. تمام این جماعت کسبه پریشان و گدا و اراذلشان از شدت فقر به فساد اخلاق متوجه و خود و نژادشان ننگ ایرانی خواهند شد» (همان، ص ۵)

نظام سربازی و واکنش اصناف

از جمله قوانینی که جنبش‌هایی در کشور ایجاد کرد، قانون نظام وظیفه بود. در جریان این برنامه، اصناف به رهبری علما تحصن کرده و با تعطیلی بازار، در مقابل مجلس تجمع کردند. اصناف باغمیشت تبریز این قانون را خلاف اصول دین اسلام دانستند و خواستار لغو آن شدند. (اسناد مجلس شورای ملی، ش بازبایی ۱۶۰۲۶) همین‌طور کسبه تویسرکان آن را مخالف منافع خود دانستند (اسناد مجلس شورای ملی، ش بازبایی ۵۷۲۶) کسبه نجف آباد نیز، از بی‌احترامی و سختگیری مأموران سربازگیری شکایت کردند. (اسناد مجلس شورای ملی، ش بازبایی ۲۲۷۹۱)

وزارت تجارت و اعتراض اصناف و بازاریان در زمان رضا شاه

دولت برای انجام مدرنیزاسیون و نوسازی کشور، به اقتصاد و درآمدی فراوان نیاز داشت، به همین دلیل با دخالت در اقتصاد و تجارت، تلاش کرد که اقتصاد دولتی را در کشور اجرا نماید، لذا قانون انحصار تجارت خارجی را تدوین و اجرا نمود؛ همچنین برای کاهش نفوذ تجار و بازاریان قدرتمند، قانون مالیات بر اصناف را لغو کرد، چرا که اقتصاد و ارزش کشور را به طور کلی در اختیار داشته و اصناف نیز در کنترلشان بود. و لذا می‌توانستند در برابر اقدامات دولت مقاومت و ایستادگی نمایند، همچنین بانکهای دولتی را جایگزین صرافیهای خصوصی نماید. اما به دلیل عمر کوتاه دولت پهلوی اول و مهمتر از آن، فساد اقتصادی کارگزارانش، نتوانست تجار سنتی و بازاریان را نابود سازد؛ آنچنان که به اعتقاد می‌گدال، سروران اجتماعی با تطمیع نیروهای دولتی از طریق پرداخت رشوه، می‌توانستند در مقابل اجرای قوانین دولتی موانعی بزرگ ایجاد کنند. (مهدی نجف‌زاده و مهدی عباسی تابستان ۱۳۹۲: ص ۷۷)

در دوران پهلوی اول و در بین سالهای (۱۳۰۵ تا ۱۳۱۱) امین الضرب اولین رئیس اتاق بود و بعد از آن حاج و بعد از آن حاج میرزا حبیب الله امین التجار اصفهانی تنها در سال ۱۳۱۲ شمسی ریاست را بر عهده داشت. مدتی نیز حاج میرزا عبد الطالب اسلامیه به عنوان رئیس فعالیت می کرد. در حقیقت قبل از این دوره، تجار دور هم که در زمان امین الضرب، جمع می شدند و مسائل خود را با یکدیگر در میان می گذاشتند. اما با شروع دوره پهلوی، برگزاری انتخابات در اتاق نیز شروع شد بعد از آن، دوره به عبد الحسین نیک پور رسید که در زمان امین الضرب منشی اتاق تجار بود. وی دوره طولانی ریاست اتاق را با فراز و نشیب هایی از سال ۱۳۱۳ تا ۱۳۳۵ با قدرت و تاثیر گذاری بر اتاق و روابطش با دولت را بر عهده داشت. از بهمن ۱۳۰۶ تا مرداد ۱۳۸۰ صورت جلسات اتاق در ماهنامه عصر جدید که بعدا نام آن به راهنمای تجارت ایران تغییر یافت، منتشر می شد. اتاق بر اساس پرداخت یک درصد مالیات بر درآمد اعضا به عنوان حق عضویت و کمک های داوطلبانه و سایر درآمدهای جزئی، هزینه های چاپ و اداری خود را تامین می کرد. بعد از دو دوره فعالیت اتاق، جلساتی نیز به موازات اتاق و به طور غیر رسمی بین تجار جوان تر برگزار می شد. در اصل، این فعالیت ها برای آمادگی در انتخابات اتاق بود. این جلسات غیر رسمی، تجار جوان تر مانند حاج سید محمود لاجوردی، شرکت می کردند در انتخابات دور دوم جوانترها پیروز شدند و نیک پور در رده ۲۴ و سید محمود در رده هفتم قرار گرفت؛ نیک پور به سبب احترام و نفوذی که داشت به ریاست اتاق انتخاب شد. (علی اصغر سعیدی، ۱۳۹۲: ص ۸۲-۸۳) این احترام و نفوذ مربوط بود به افزایش قدرت اتاق در زمانی که دولت رضاشاه در فاصله سالهای ۱۳۰۴ تا ۱۳۱۱ هنوز نتوانسته بود آن چنان اقتدار خود را گسترده کند که توان نهادهای اقتصادی جامعه مدنی را کاهش دهد؛ به ویژه اینکه وی برای ادغام قدرت، هنوز به قدرت اتاق برای ارتباط با گروه های مختلف بازاریان و کسبه احتیاج داشت. تصویب قانون تجارت در ۱۳ اردیبهشت ۱۳۱۱ و قانون ثبت شرکت ها در ۲ خرداد ۱۳۱۱، پایه های گسترش شرکت های تجاری را فراهم کرد. ایجاد انحصارات و کارخانجات دولتی، موجبات نارضایتی جامعه صنفی و تجاری قدیم را فراهم

کرد. لغو مالیات های صنفی، قدرت و جمع مالیات را از بزرگان اصناف گرفت و برای از بین بردن نظارت استادکاران بر زیردستان اجرا شد. (آبراهامیان، ص ۱۸۸-۱۸۹)

تجار در برخی موارد به صورت علنی، اعتراضات خود را به دولت مطرح می کردند. به طور مثال، در سال ۱۳۰۶ اعتراض تجار به ممنوعیت صدور فرش از گمرکات زاهدان ابعاد وسیعی یافت و دولت نیز به آن واکنش مثبتی نشان داد. به تدریج دخالت دولت در اقتصاد افزایش یافت در چنین وضعی، سیاست ارشادی اقتصادی دولت از جمله تنظیم و تنسيق فعالیت های اقتصادی به تصدی و انحصار در بیشتر فعالیت ها به ویژه تجارت خارجی تعمیم یافت. در سال ۱۳۱۱ قانون انحصار تجارت خارجی که بر اساس آن، دولت کنترل و انحصار تجارت خارجی را به دست آورد، باعث ایجاد نگرانی بین تجار و اصناف و سوء ظن ایشان افزایش یافت.

دلایل ناکارآمدی بازاریان و اصناف

این پژوهش تلاش داشت تا به بررسی نقش اصناف در تحولات و حوادث قبل از قاجاریه و بعد از قاجاریه تا ۱۳۲۰ بپردازد با بررسی این پژوهش می توان بیان داشت که از اوایل سلسله قاجار به علت گسترش نفوذ غرب، انتشار روزنامه، سفرهای خارجی ... بر آگاهی این طبقه افزود شد و با گذر زمان این طبقه از کارکرد صرفا اقتصادی به کارکرد سیاسی و اجتماعی نیز تعبیر ماهیت و ساختار دادند. و به مرور زمان بسیار بیشتر از طبقات دیگر همچون منورالفکران، علماء و حتی احزاب بر روند تحولات تاریخ معاصر ایران اثر گذار بوده اند اما بعد از مشروطیت و دوران پسا مشروطه ما شاهد کاهش تاثیر گذاری این طبقه هستیم عوامل مختلفی در این مسئله تاثیر گذار بوده اند که در زیر به بررسی برخی از آنها خواهیم پرداخت.

الف- فقدان اتحاد درون گروهی به مثابه طبقه ای برای خود: مارکس در بحث مبارزات طبقاتی از دو طبقه در خود و برای خود نام می برد که مصداق طبقه اول عدم آگاهی و اتحاد می باشد اما طبقه برای خود به مرحله خود آگاهی رسیده و لذا منافع جمعی خود را پیگیری خواهد کرد. در این

راستا می توان بیان داشت که اگر تجار، بازاریان و اصناف را به عنوان یک طبقه در نظر بگیری این طبقه در اثر گسترش نفوذ غرب در ایران، گسترش وسایل ارتباط جمعی از جمله روزنامه ها و مسافرت بازاریان کم کم بر آگاهی آنها افزوده شده و از لاک خود خارج شده و بر تحولات سیاسی و اجتماعی - اقتصادی ایران تاثیر گذار شدند اما نکته اساسی در این خصوص این است که چرا بازاریان همانند علماء و یا منورالفکران و یا حتی احزاب نتوانستند پیوستگی خود را حفظ نموده و بر روند تحولات تاثیر گذار باشند؟ پاسخ به این سوال را می توان در فقدان انسجام و اتحاد درونی این طبقه دانست چرا که همبستگی تاریخی که پیوسته بین طبقه تجار و اصناف وجود داشت جای خود را به اختلافات داده و حتی این طبقه در ارتباط با سایر طبقات همانند علماء نیز دچار اختلاف شدند لذا یکی از موارد ناکامی این طبقه فقدان اتحاد و انسجام درون طبقه ای می باشد. لذا در تحلیل نهایی می توان بیان داشت که طبقه تجار که تا قبل از انقلاب مشروطه تقریباً طبقه ای برای خود بود و دارای آگاهی و سازمان بود با تغییر نظام نامه انتخاباتی و روی آوردن به امور زمین داری به طبقه ای در خود تبدیل شد و توانایی، کارایی، آگاهی سازمانی خود را از دست داد. و نتوانست در مجلس دوم و در رقابت با زمینداران موفق عمل کند.

ب- ضعف آگاهی صنفی و طبقاتی: وکلای، طلاب، اصناف و تجار که انتخابشان بر اساس اعتماد مردم به آنان بود، این طبقات با وجود صداقت و اعتماد، به دلیل ضعف سیاسی، صنفی و طبقاتی و نیز نداشتن رهبری موثر قدرت چندانی در ادامه نقش آفرینی بر تحولات را پیدا نکرده و نتوانستند موفق عمل نمایند. ضعف عملکردی آنها کم کم باعث کاهش اعتماد و اعبار آنها در میان مردم شد و به مرور جایگاه خود در مجالس قانون گذاری و دیگر تحولات از دست دادند.

ج- فقدان اهداف سیاسی و مرامی: هر طبقه، حزب و یا قشری در تاریخ معاصر ایران زمانی توانسته موفق عمل کند که دارای اهداف سیاسی و صنفی مشخصی بوده است چرا که لازمه هر فعالیتی داشتن اهداف مشخص می باشد. اما طبقه اصناف و بازاریان گرچه تا قبل از مشروطه در چهارچوب

هدف مشخص و معینی حرکت کرده و فعالیت خود را پیش می بردند اما این طبقه بعد از مشروطه به علت فقدان اهداف سیاسی و حتی یه سازمان هماهنگ کننده عمدتا تحت تاثیر سیاست مداران قرار می گرفتند. و در این راستا نتوانستند اتحادیه و حتی حزب مختص به خود ایجاد کنند و عمدتا در قالب احزاب دیگر و سازمانهای دیگر وارد شده و اهداف خود را پیگیری می کردند.

د- روی کار آمدن رضا خان و تشکیل دولت متمرکز: اصناف و بازاریان به علت رفت و آمدی که با دیگر ممالکت داشتند از حکومت قانون، نظم و امنیت کاملا با خیر بودند به همین دلیل عمده تلاش آنها تا قبل از مشروطه حول و حوش نظام پارلمانی، حکومت قانون و نظم و امنیت می پرخید و بعد از مشروطه نیز طرفدار حکومت قانون بودند اما عصر رضاشاه آغاز دوران تازه ای برای اصناف و تجار بود. این مجامع تا این زمان، دارای استقلال نسبی درونی و توان سیاسی بودند و این روند به خصوص در غیاب دولت مرکزی قوی، شدت بیشتری می گرفت؛ البته این سخن، به معنای قدرت سیاسی اقتصادی آن ها نیست و با تمام مخالفتی که در برابر دولت ابراز می کردند و گاهی اوقات مالیات نمی دادند، در هر صورت، زیر نظر دولت بودند. (فلور، ۹۹-۱۰۵) در حالی که در عصر پهلوی اول، اصناف از جنبه های گوناگون سیاسی و اقتصادی و اجتماعی، تحت نظارت بیشتر و دقیق تر دولت قرار گرفتند و عرصه برای فعالیت آزادانه آن ها از بین رفت و این موضوع یعنی حکومت دلخواه رضا شاه نافی آن چیزی بوده که تجار و اصناف از آن به حکومت قانون نام میبردند.

ه- عدم تعادل طبقاتی: عدم تعادل طبقاتی از مهمترین ویژگیهای ساختار اجتماعی ایران در اواخر عصر قاجار است. بازخورد ناشی از رشد بازار سرمایه داری و در پی آن ارزشمندی محصولات پولی، قدرت طبقه زمیندار را در طول عصر قاجار افزایش داده بود؛ حال آنکه، طبقات میانی در مقابل رشد بورژوازی وابسته، طبقه بالای زمیندار و تجار بزرگ، ضعیف و کوچک شدند. شرایط ناشی از بزنگاه انتخاباتی

به گسترش دایره نفوذ زمیندارانی که مبانی ساختاری قدرتشان پیش از این در نتیجه اقتصاد سرمایه داری و سیاست های دولتهای قاجار تحکیم یافته بود منجر شد (محمد فاضلی و معصومه اشتیاقی، ص ۵۷-۶۴) بازخورد مثبت قدرت زمینداران در شاکله ساختار اجتماعی اقتصادی در طول زمان به اقتدار سیاسی نامتقارن قدرت زمینداران در برابر سایر طبقات در مجالس ایران انجامید. پس از این دوره قوانین و برنامه‌های درون مجلس مطابق انتظارات زمینداران و طبقات وابسته به آنها مورد تصویب و اجرا قرار می گرفت. در این میان تجار مشروطه خواه و پاره ای از طبقات ضعیف درون مجلس در نتیجه اقتدار روزافزون زمینداران، به کنشگران سیاسی آسیب پذیری مبدل شدند که مجبور به پذیرش قاعده تحمیل شده از سوی ساختار قدرتمند یا کناره گیری از فعالیت های سیاسی شدند. لذا تجار و بازار تهران بر سر سه راهی قرار گرفتند یا به روند خود ادامه می دادند که با توجه به قدرت زمین داران و فقدان امنیت نمی توانستند به اهداف خود برسند و یا مهاجرت کرده و از ایران بروند که این راه هم چندان برای آنها خوشایند و موفقیت آمیز نبود و در نهایت با تغییر رویکرد، شان و منزلت به فعالیت خود روی آوردند (همان) ه- گرایش تجار و اصناف به زمین داری: تجار و اصناف متأثر از عدم تعادل طبقاتی موجود در ساختار سیاسی و اقتصادی جامعه ایران عصر قاجار سبب شد تا شاهد تغییر رویکرد بازار تهران از امور تجاری به امور زمینداری در میان آنها باشیم این موضوع آنها را از یک طبقه که دارای آگاهی درون طبقاتی بودند خارج کرد و در رقابت با زمین دارن تضعیف نمود و آنها نتوانستند انسجام اولیه که در دوران قبل از مشروطیت داشتند را حفظ نمایند و در رقابت با زمین داران قرار گرفتند و خود نیز به سمت زمینداری گرایش پیدا نموده لذا اکثر تجار و بازار تهران گرایش به زمینداری پیدا کردند به گونه ای که می توان گفت: گرایش تجار بزرگ یا «تجار متمول» به زمینداری در سال‌های پس از مشروطیت بخصوص و با ناامیدی تجار از بهبود شرایط شدت گرفت. تغییر رویکرد بازاریان از امور تجاری به امور زمینداری آنها را از یک طبقه که دارای آگاهی درون طبقاتی

بودند خارج کرد و در رقابت با زمین دارن تضعیف نمود و آنها نتوانستند انسجام اولیه که در دوران قبل از مشروطیت داشتند را حفظ نمایند و در رقابت با زمین داران قرار گرفتند و خود نیز به سمت زمینداری گرایش پیدا نمودند .

ی- نظام نامه انتخاباتی: براساس نظامنامه انتخاباتی جدید، انتخابات باید در دو مرحله برگزار می شد و انتخابات طبقاتی و صنفی ملغی شد . بدین ترتیب نمایندگان طلاب و تجار حذف شدند. (همان، ص ۵۳-۵۴) این موضوع تأثیرات اساسی بر جریان های درون و بیرون از مجالس ایران از این دوره به بعد برجای گذاشت. بازخورد مثبت قدرت فزاینده زمینداران در مقابل سایر طبقات ضعیف تر جامعه ایران اواخر قاجار این امکان را فراهم ساخت تا پس از دوره های رکود در فعالیت مجلس فرصت تغییر نهادی متناسب با منافع زمینداران پدید آید . کارگزاری که پیش از این در حاشیه مجلس قرار داشتند، به واسطه اصلاح در قوانین، امکان تغییر مجلس را به نفع خویش یافتند .

قانون جدید انتخاباتی بزنگاهی بوده است که در پرتو آن مسیرهای مستحکم سیاسی پدید آمد. زمینداران در نتیجه قانون جدید انتخاباتی و به واسطه قدرت ساختاری ای که امکان حضور آنها را در مجلس آسان می ساخت، قدرت فزایندهای در مجالس ایران یافتند . بازخورد مثبت قدرت زمینداران در شاکله ساختار اجتماعی اقتصادی در طول زمان به اقتدار سیاسی نامتقارن قدرت زمینداران در برابر سایر طبقات در مجالس ایران انجامید . پس از این دوره قوانین و برنامه های درون مجلس مطابق انتظارات زمینداران و طبقات وابسته به آنها مورد تصویب و اجرا قرار می گرفت . در این میان تجار مشروطه خواه و پاره ای از طبقات ضعیف درون مجلس در نتیجه اقتدار روزافزون زمینداران، به کنشگران سیاسی آسیب پذیری مبدل شدند که

مجبور به پذیرش قاعده تحمیل شده از سوی ساختار قدرتمند یا کناره گیری از فعالیت های سیاسی شدند.

نتیجه گیری

بازرگانان و تجار جزء اقشار با نفوذ نه تنها در عصر قاجاریه بلکه قبل از آن نیز به شمار می آمدند که نقش تعیین کننده ای در حیات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی ایران در آن زمان را بر عهده داشتند. سلب مالکیت های گسترده و اخاذی های بی شمار شاهزادگان قاجار، از تجار و بازرگانان، نابرابری تجاری بین تجار ایران و تجار خارجی، مالیاتهای سنگین، هزینه ها و مخارج شاه قاجار و دربار چهره هایی ناراضی به وجود آورد و اعطای امتیازهای یک طرفه به خارجی ها، باعث طغیان آنها شد. با مرور حوادث سیاسی، اقتصادی و اجتماعی ایران از آغاز سلسله قاجار تا استانه مشروطه ما شاهد افزایش تاثیر گذاری بازاریان بر تحولات و حوادث هستیم به گونه ای که می توان بیان داشت که بازاریان تهران از آغاز سلسله قاجاریه تا پیروزی مشروطیت در مرحله رشد و تشکل اجتماعی جدید بوده و با هوشیاری و با درک درست از مسایل سیاسی کشور و تحرک اقتصادی به وجود آمده و نگرش سیاسی که تحت تاثیر جریان های جدید قرار گرفته، نظام حکومتی قاجار را به انتقاد می کشد و با پیوند با گروه های سیاسی - مذهبی در پیدایش رویدادهای تاریخی به ویژه جنبش تنباکو و مشروطه نقش بسیار موثری داشته است. به گونه ای که ما شاهد افزایش قدرت تاثیر گذاری بازاریان و تحول ساختاری آنها در راستای تامین منافع جمعی خود هستیم اما این فرایند تاثیر گذاری بازاریان بر حوادث و رویدادها استمرار پیدا نکرد و بر عکس به مرور زمان و از مجلس اول مشروطه به بعد ما به کلی شاهد انفعال و ناکارآمدی بازاریان هستیم لذا می توان بیان داشت که سیر تاثیر بازاریان و اصناف را بر حوادث سیاسی، اجتماعی و اقتصادی ایران از قبل مشروطه تا ۱۳۲۰ در نظر بگیریم شاهد دو دوره متفاوت با دو کارکرد متفاوت از سوی بازاریان هستیم دوره قبل از مشروطه از آغاز سلسله قاجاریه تا انقلاب مشروطه ما شاهد تاثیر گذاری مثبت بازاریان و اصناف هستیم اما از مشروطه به بعد تا ۱۳۲۰ این کارکرد تغییر پیدا کرده و ما شاهد

نوعی ناکارآمدی و عدم موفقیت از سوی بازاریان و اصناف در پی گیری منافع خود مواجه می شویم. لذا در این راستا می توان نتیجه گرفت که بازاریان و اصناف از آغاز سلسله قاجار تا انقلاب مشروطه از هویت ساختاری و کارکردی منسجمی برخوردار بوده و بر تحولات سیاسی و اقتصادی تاثیر مثبتی داشته اند اما این وضعیت بعد از مشروطه در دوران رضا شاه به دلیل فقدان اتحاد درون گروهی، ضعف آگاهی صنفی و طبقاتی و روی کار آمدن رضا خان و تشکیل دولت متمرکز تغییر کرده و شاهد عدم انسجام ساختاری و ناکارآمدی اصناف و بازاریان بر روند تحولات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی هستیم.

منابع

۱. محمد رحیم ربانی زاده و لطف الله لطفی، «ساختار قدرت در ایران عصر ناصری»، جستارهای سیاسی معاصر پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، س ۶، ش ۴ (زمستان ۱۳۹۴).
۲. یحیی آریا بخشایش، «ماهیت طبقاتی تجار در عصر قاجار و پهلوی»، فصلنامه سایت انسان شناسی و فرهنگ، ۱۳۹۰، ص ۴-۷.
۳. زین العابدین مراغه ای، سیاحتنامه ابراهیم بیگ، به کوشش محمدعلی سپانلو (تهران: اسفار، ۱۳۶۴).
۴. مرتضی دهقانی نژاد و عادل رستمی، «بررسی تحلیل زمینها و عوامل تقابل بازاریان با حکومت پهلوی دوم بر اساس مدل بسیج چارلز تیلی»، فصلنامه علمی پژوهشی رهیافت های انقلاب اسلامی، س ۱۱، ش ۴۰، ۱۳۹۶.
۵. محمدعلی همایون کاتوزیان، اقتصاد سیاسی ایران، ترجمه محمدرضا نفیسی و کامبیز عزیزی (تهران: نشر مرکز، ۱۳۸۲).

۶. - داود امینی، چالش های روحانیت با رژیم رضا شاه، بررسی علل چالش های سنت گرایی با نوگرایی (تهران: سپاس، ۱۳۸۲)
۷. - محمدرحیم عیوضی، طبقات اجتماعی و رژیم شاه (تهران: مرکز اسناد و انقلاب اسلامی، ۱۳۸۰) و حسام‌الدین آشنا، فرهنگ و تبلیغات حکومت در ایران (تهران، دانشگاه امام صادق(ع)، ۱۳۷۳).
۸. عنایت الله شاپوریان، بیست و پنج سده مالیات (بی جا: بی نا، ۱۳۵۰).
۹. محمد حسین حمدی، تاریخ تطور سیستم مالیاتی در دوران شاهنشاهی ایران (تهران: میهن، ۱۳۵۰)
۱۰. کاظم ال یاسین، تاریخ مالیات از آغاز تا امروز (بی جا: مشعل، ۱۳۷۱)
۱۱. مهدی نجف زاده و مهدی عباسی، «پیامدهای ساخت دولت مدرن پهلوی اول بر جامعه شبکه‌های ایران»، مطالعات سیاسی، س ۵، ش ۲۰ (تابستان ۱۳۹۲).
۱۱. علی اصغر سعیدی، «چرخه تعامل اتاق بازرگانی ایران با دولت در دوره پهلوی»، سند پژوهی بهارستان، س ۱، ش ۱ (۱۳۹۲).
۱۲. پرواند آبراهامیان، ایران بین دو انقلاب از مشروطه تا انقلاب اسلامی، کاظم فیروزمند و دیگران (تهران: مرکز، ۱۳۸۰، ج ۴).
۱۳. ویلهم فلور، جستارهای از تاریخ اجتماعی ایران در عصر قاجار، عباسعلی جلی (تهران: سیمرخ، ۱۳۴۴).
۱۴. علی قدیانی، کودتای فرهنگ و تمدن ایران در دوره پهلوی اول رضا خان میر پنج (تهران: رسا، ۱۳۸۸)
۱۵. رضا مختاری، اسنادی از اسناد بلدی، تجار و اصناف (۱۳۰۰-۱۳۲۰) (تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۰)

۱۶. فاضلی. محمد. معصومه اشتیاقی. «رویکرد ساختاری نهادی به بن بست مجالس مشروطه در ایران». علوم سیاسی. س ۸. ش ۳.
۱۷. جان فوران، مقاومت شکننده، ترجمه احمد تدین (تهران: رسا، ۱۳۹۲، ج ۱۴).
۱۸. رحیم روحبخش، «اصناف و اتحاد شکل لباس: مروری بر عرایض صنوف عبا بافها، کلاهما لها به رضا شاه»، روزنامه اعتماد ملی، س، ش (۱۳۸۵).
۱۹. روزنامه ها و ارشیو
۲۰. روزنامه ایران، س، ش ۱۱۰۴ (۲۹ رجب ۱۳۴۰ ق).
۲۱. حبل المتین، س ۳۳، ش ۲ (۲۳ جمادی الثانی ۱۳۴۲).
۲۲. مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره نهم، (۲۹ آبان ۱۳۱۲)، جلسه ۵۰.
۲۳. آرشیو مرکز اسناد و کتابخانه ملی، فیش شماره ۰۰۰۱۰۴۸.
۲۴. آرشیو مرکز اسناد و کتابخانه ملی، شماره مدرک ۲۴۰۰۳۸۸۵۹.
۲۵. آرشیو مرکز اسناد و کتابخانه ملی، فیش شماره ۰۰۰۸۰۸۰.
۲۶. آرشیو مرکز اسناد و کتابخانه ملی، فیش شماره ۰۲۷۳۰۰۳۴.
۲۷. کتاب خانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای ملی، (کمام)، ۱۳۰۵/۲۳/۱۶/۱/۳۵.
۲۸. مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره ۵، جلسه ۸۱.
۲۹. مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره ۹، (۲۹ آبان ۱۳۱۲) جلسه ۵۰.
۳۰. مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره ۵، جلسه ۸۱.
۳۱. روزنامه اطلاعات، ۲۲ س، ش ۱۴۹ (بهمن ۱۳۰۵).
۳۲. مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره ۶، جلسه ۴۰.
۳۳. مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره ۵، جلسه ۱۵.
۳۴. سازمان اسناد و کتابخانه ملی، شماره فیش، ۲۵۰/۵۴۱۲.
۳۵. سازمان اسناد و کتابخانه ملی، شماره فیش، ۳۵۰/۳۵۵.

۳۶. شفق سرخ، س ۷، ش ۱۰۵۹ (چهارشنبه ۱۱ مهر ۱۳۰۷)، ص ۲.
۳۷. سازمان اسناد ملی، شماره فیش ۲۹۰۰۰۴۶۳۱، محل در آرشیو ۷۶۵ ن ۵ آب ۱، پیشرفت قانون کشف حجاب و متحدالشکل شدن پیشرفت قانون کشف حجاب و متحدالشکل شدن البسه، نامه حکومت مازندران به وزارت داخله، ۱۳۱۴/۱۱/۷، نمره ۶۰۵۱.
۳۸. سازمان اسناد ملی، شماره فیش ۲۹۰۰۰۴۶۳۱، محل در آرشیو ۷۶۵ ن ۵ آب ۱، پیشرفت اجرای قانون کشف حجاب و البسه متحدالشکل، نامه حکومت مازندران به وزارت داخله ۱۳۱۵/۳/۱۹ نمره ۲۱۶۱، سازمان اسناد ملی، شماره مدرک ۹۲۳/۲۹۰۰۰۸۲۳، محل در آرشیو ۵۰۴ ه آب ۱، راپورت حکومت آمل به وزارت داخله درباره علاقمندی مردم به استفاده از پوشاک متحدالشکل، ۱۳۰۷/۶/۱۹ نمره ۵۵۳.
۳۹. ۱۳۱۵، نمره ۲۱۶۱ / سازمان اسناد ملی، شماره مدرک ۲۹۰۰۰۸۲۳۹ / متحدالشکل، نامه حکومت مازندران به وزارت داخله، ۱۹ محل در آرشیو ۵۰۴ ه آب ۱، راپورت حکومت آمل به وزارت داخله درباره علاقمندی مردم به استفاده از پوشاک
۴۰. ۱۳۰۷، نمره ۵۵۳ / متحدالشکل
۴۱. اسناد مجلس شورای ملی، ش بازیابی ۱۶۰۲۶.
۴۲. اسناد مجلس شورای ملی، ش بازیابی ۵۷۲۶.
۴۳. اسناد مجلس شورای ملی، ش بازیابی ۲۲۷۹۱.

منابع لاتین

۴۴. Wilber, D. ۱۹۷۵. Riza shah Pahlavi: The Resurrection and Reconstruction of Iran, NewYork